

## واکاوی تحلیلی تاثیر رنگ‌ها در سبک زندگی انسان با محوریت فرهنگ قرآنی

محمد مهدی کریمی نیا<sup>۱</sup>، فاطمه باقری مالک آبادی<sup>۲</sup>، مجتبی انصاری مقدم<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> سطح سه (کارشناسی ارشد) حوزه علمیّه خاوران، رشته تفسیر و علوم قرآن

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر

### چکیده

رنگ‌ها از جمله نعمت‌های خداوند برای انسان هستند که باعث نشاط و سرزندگی شده و امید به زندگی را در انسان ایجاد و تقویت می‌کند. رنگ‌ها هرکدام تأثیرات خاصی در روح و جسم انسان دارند و بر روابط فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارند. خداوند در قرآن کریم و پیشوایان دین در کلام خویش به رنگ و تأثیرات آن بر زندگی اشاره نموده‌اند که این نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه رنگ در زندگی انسان است. پژوهش حاضر با روش توصیفی و کتابخانه‌ای و با تأکید بر آیات و روایات به کاربرد رنگ در سیره معصومان پرداخته است. با گردآوری رنگ‌ها و موارد به کارگیری آن، به جایگاه رنگ در زندگی فردی و اجتماعی معصومان پرداخته شده است تا بتوان به الگویی مناسب در به کارگیری رنگ در عرصه‌های مختلف زندگی دست یافت. در این مقاله علاوه بر بیان تفسیری هریک از آیات مربوط، به ذکر نظریات علمی پیرامون آنها نیز پرداخته شده است.

**واژه‌های کلیدی:** پیشوایان دین، خلقت، رنگ، سیره معصوم، نظریات علمی

## مقدمه:

موضوع رنگ در قرآن کریم یکی از مباحث شیرین و زیبایی است که آیات و روایات بسیاری به این مساله پرداخته اند و به ویژگی های خاص هر رنگ اشاره نموده و رنگ های موجود در جهان خلقت را زمینه ایی برای تفکر بیشتر انسان قرار می دهد لذا انسان باتوجه به این مساله نکته های مهمی را در زندگی می آموزد. و درواقع می توان گفت رنگ ها از مهم ترین مسائلی هستند که انسان در همه دوران ها به آن نیاز دارد شاید در ابتدا انسان به نقش و تاثیر آن در زندگی اهمیتی ندهد. یا ارزش آن را درک ننماید اما وقتی با تحقیق و بررسی جایگاه آن در زندگی روشن می شود انسان نیز منش و رفتار خود را نسبت به این امر تغییر می دهد.

رنگ ها از جمله عوامل بارز طبیعی هستند که هم جسم و روح و خرد انسان را تحت تاثیر قرار می دهند و بلکه منجر به پیشرفت یا رکود جامعه می شود. عدم جایگزینی رنگ در مکان خاص خود و به کارگیری نادرست آن در محیط زندگی صدمات روحی بسیاری بر زندگی انسان وارد می سازد.

اما درباره بیشینه علمی این موضوع میتوان به آثار مختلف علماء در تفاسیر قرآن از جمله تفسیر المیزان علامه طباطبائی اشاره کرد همچنین اثر آقای بیستونی با نام رنگ شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث میتوان اشاره کرد.

اما سوال اصلی مقاله: تاثیر رنگها در سبک زندگی انسان با محوریت فرهنگ قرآنی چه می باشند؟ و سوالات فرعی شامل «۱- نظر امام صادق علیه السلام درباره رنگ ها چیست؟ ۲- تاثیر رنگ ها بر زندگی انسان از منظر قرآن را بیان کنید؟ و ۳- رنگ ها چه تاثیری در درمان دارند؟» می باشد.

## ۱- مفهوم شناسی رنگ:

رنگ در لغت، کیفیتی است که از ظاهر چیزی دیده می شود؛ مانند سفیدی، سرخی، سبزی. ابن منظور در این باره گوید: رنگ هیئتی است چون سیاهی و قرمزی. رنگ هر شیء چیزی است که باعث تمایز آن از شیء دیگر می شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱۳/۷)

رنگ در اصطلاح یک انعکاس مرئی است که در اثر عبور، انتشار یا بازتاب ترکیب رنگ ها توسط اشیاء به وجود می آید. از دیدگاه علمی ثابت شده که همه رنگ ها از تشعشع های نور خورشید است و هر شیء به میزان شفافیت و خاصیت جذب پرتوها، بعضی پرتوها را جذب می کند و برخی را باز می تاباند؛ در نتیجه، آن شیء را به رنگ پرتوهای بازتاب شده می بینم. از سوی دیگر، این پرتوها با ترکیب شدن، نورهای دیگری را می سازند که بر یافته های مخروطی شکل اعصاب چشمی اثر می گذارد و سبب دیدن آن نور می شود. وقتی جسمی همه نورها را بازتاباند، سفید و زمانی که همه نورها را جذب کند، سیاه دیده می شود. (رستم نژاد ۱۳۸۹ ۱۳۱/۷)

## ۲- خلقت رنگ

وجود انواع رنگ ها در عالم طبیعت امری بی اهمیت یا تصادفی نیست بلکه خود مبین دخالت عالی ترین درجات حکمت در امر آفرینش است هرچند که انسان به جهت خو گرفتن به آن حتی از وجودش غافل شده است و به علت محدودیت دید فهم، درک و اطلاعات از درک اهمیت آن عاجز و ناتوان است.

آفریدگار دانالی عالم هستی جهان را رنگی خلق کرده است و انسان را نظاره گر اصلی این جهان رنگارنگ، رنگ درکنار شکل و جنسیت از عوامل مهم تشخیص و شناخت انسان از محیط پیرامون خویش است.

وجود رنگ ها در طبیعت یکی از نشانه های وجود حکمت در آفرینش است زیرا علاوه بر آثار و خواصی که رنگ ها دارند جلوه و زیبایی خاصی به محیط زندگی انسان می دهند. زندگی در محیطی یک رنگ و خالی از تنوع رنگ ها برای انسان خسته کننده و یکنواخت است و روح را کسل و بی تفاوت می سازد.

باتوجه به خاصیت های مختلف رنگ ها می توان گفت که انسان در طول زندگی از آنها استفاده می کند. تعدیل روحی، روانی، شادابی و نشاط را برای انسان ایجاد می کند.

باگذشت زمان و استفاده از رنگ های مختلفی که از ترکیب رنگ ها به وجود می آید لذتی که بشر از تنوع رنگ ها می برد عظمت پروردگار را متوجه می شود. که در طبیعت تمامی این رنگ ها را به وجود آورده و ما در فصول مختلف و در بیابان های سرسبز و خرم این رنگ ها را مشاهده می کنیم.

تردیدی نیست که باحذف رنگ ها از خمره های طبیعت، زیبایی و جمال طبیعت نیز از بین می رود که با توجه به اصالت فطری حس زیبایی در انسان و نقش و اهمیت آن در زندگی او می توان به اهمیت وجود رنگ ها پی برد. از این رو وجود رنگ ها در عالم خلقت یکی از بزرگترین نشانه های حکمت خداست.

امام صادق (علیه السلام) خطاب به یکی از شاگردان خویش به نام مفضل اشاره به این حقیقت نمود و فرموده است. اگر میوه هایی که می خوریم بر زمین می روید و بر شاخ درختان نمی بود خللی بسیار در امور معاش به ما می رسید هر چند از میوه بهره مند می شویم منفعت حاصل از چوب، هیزم، علف و غیره نیز برای بشر وجود دارد.

لذتی که آدمی از دیدن گیاهان سبز، درختان خرم، گل های رنگارنگ و شکوفه های گوناگون به انسان دست می دهد غیر قابل مقایسه با سایر لذت هاست. (مفضل بن عمر ۱۳۷۹، ۶۲)

### ۳- رنگ از دیدگاه امام صادق (علیه السلام)

از دیدگاه امام جعفر صادق (علیه السلام) وجود گل های رنگارنگ و شکوفه های گوناگون که جلوه ی زیبایی خود را قبل از هر چیز مدیون رنگامیزی های بدیع طبیعت هستند. از جمله اهم آیات الهی و نشانه های تدبیر خدا در آفرینش جهان معرفی می شود.

ایشان می فرمایند: در رنگ آسمان که خداوند آن را به این رنگ آفریده که موافق ترین رنگ هاست تفکر نما برای آنکه دیده و نور چشم را تقویت می نماید حتی آنکه اطباء می گویند اگر کسی را ضعفی در دیده پدید آمده باشد باید نظر بهه کبود مایل به سیاهی کند بعضی از طبیبان حاذق برای کسی که کندی در بینایی او ایجاد شده بود حکم کرده بودند که پیوسته

نظر در ظرف کبودی که مملوء از آب باشد کند پس تفکرکن که چگونه رنگ آسمان را کبود مایل به سیاهی گردانیده که مکرر نظر کردن به آسمان بردیده ها ضرر نرساند. (مفضل بن عمر ۱۳۷۹، ۱۲۱)

#### ۴- اثرات مختلف رنگ ها

هریک از رنگ ها از لحاظ روحی و عصبی و حتی زیستی و حیاتی آثار کیفی مخصوص به خود دارند بطوریکه امروزه با توجه به آثار مختلف رنگ ها در عالم طب و بهداشت و صنعت و حتی در زندگی روزمره رنگ ها کاربرد وسیعی پیدا کرده اند.

لازم است به یک اصل کلی توجه شود و آن اینکه وقتی درباره اثرات گوناگون رنگ ها صحبت شود. مثلاً نور قرمز را محرک و نور آبی را آرامبخش و دارای تسکین معرفی کنیم منظور این نیست که این اثرات شدید بوده و مثلاً از نور آبیسی می توان به عنوان یک داروی مسکن موثر در تسکین دردها یا تخفیف آلام عصبی استفاده کرد بلکه منظور آثاری در حداقل مراتب شدت است. (محمد بیستونی، ۱۳۸۵)

#### ۵- رنگ در قرآن کریم

هر اثر هنری از لحظه ای که ارائه می شود، منش ارتباطی می یابد. قرآن نیز با وجود اینکه یک کتاب هنری یا علمی صرف نیست، چه از جنبه هنری و چه از جنبه علمی، هم تأثیرات روان شناختی رنگ ها را بیان کرده و هم با نوع بیان هنری خود، از طریق نام رنگ ها بر مخاطب اثر می گذارد.

در قرآن کریم از شش رنگ سفید و سیاه (بقره ۱۸۷؛ آل عمران ۱۰۶؛ نحل ۵۸؛ زمر ۶۰؛ زخرف ۱۷) زرد (بقره ۶۹؛ روم ۵۱؛ زمر ۲۱؛ حدید ۲۰؛ مرسلات ۳۳)، سبز (انعام ۹۹؛ یوسف ۴۳ و ۴۶؛ یس ۸۰؛ کهف ۳۱؛ حج ۶۳؛ الرحمن ۷۶؛ انسان ۲۱)، کبود (آبی) (انعام ۶۹) و قرمز (فاطر ۲۷) یاد گردیده و به طور مستقیم یا غیر مستقیم به تأثیرات روان شناختی و بعضاً فیزیولوژیکی آنها اشاره شده است.

رنگ در قرآن کریم هم به شکل توصیفی و هم استعاره ای وجود دارد. کاربرد اصلی رنگ در تشریح قدرت آفرینش پروردگار بوده است که در حضور و تغییر رنگ های مختلف در جهان دیده می شود. البته ارزش های فرهنگی نیز در موارد کاربرد استعاره ای رنگ ها رؤیت پذیر است.

در فصول سال که حاوی رنگ های مختلف است برای خردمندان نشانه هایی هست اَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً مُخْتَلِفاً أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرّاً ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَاماً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَ لِلأُولَى الْأَلْبَابِ (زمر/۲۱)؛ «آیا نظر نکرده ای که خدا از آسمان آبی فروفرستاد و آن را به چشمه هایی که در زمین است وارد نمود، سپس به وسیله آن زراعتی را با رنگ های متفاوتش بیرون می آورد؛ سپس خشک می گردد، پس آن را زرد می بینی؛ سپس آن را درهم شکسته می گرداند؟! قطعاً، در این (مطلب) تذکری برای خردمندان است». مشاهده رنگارنگی در

خوراکی ها نیز دیده و خوردن آنها را لذت بخش تر می کند؛ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاَخْرَجْنَا بِهٖ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا اَلْوَانُهَا (فاطر/۲۷)؛ «آیا نظر نکرده ای که خدا از آسمان، آبی فرو فرستاد، به وسیله آن محصولات که رنگ هایش متفاوت است (از زمین) خارج ساختیم».

دگرگونی زبان ها و رنگ های مردم نیز آیتی برای دانشمندان دانسته شده است؛ وَ مِنْ اَیَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ وَ اِخْتِلَافُ اَللِّسَنَتِکُمْ وَ اَلْوَانِکُمْ اِنَّ فِیْ ذٰلِکَ لَآیَاتٍ لِّلْعَالَمِیْنَ (روم/۲۲)؛ «و از نشانه های او آفرینش آسمان ها و زمین و تفاوت زبان هایتان و رنگ های شماست. قطعاً، در آن [ها] نشانه هایی برای دانایان است».

### ۵-۱- رنگ آبی

این رنگ به صورت مستقیم یک بار در قرآن به معنای حزن و اندوه به کار رفته است: یَوْمَ یَنْفَخُ فِی الصُّوْرِ وَ نَحْشُرُ الْمُجْرِمِیْنَ یَوْمَئِذٍ زُرْقًا (طه/۱۰۲)؛ «(همان) روزی که در شیپور دمیده می شود؛ و خلافاکاران را در آن روز، در حالی که (چشمانشان کور و) کبود است گرد می آوریم!».

رنگ آبی در این آیه دلالت بر ترس و وحشت نمی کند؛ جز آنکه با رنگ سیاه ترکیب شود و مجرمان با بدن های کبود در آن روز جمع می شوند. «زُرْقًا» آبی پر رنگ است و خود این واژه بر شدت آبی دلالت دارد؛ بر عکس آبی باز و کم رنگ که همان رنگ آسمان و دریاهاست که بسیار آرام بخش است. رنگ آبی آسمان، اثر تسکینی شگرفی بر انسان می گذارد، لذا خداوند رنگ آسمان و اقیانوس ها و دریاها را (که تصویر آبی آسمان را در خود نشان می دهند) به رنگ آبی مزین ساخته است. بدین ترتیب، خداوند حکیم زندگی انسان را بر اساس فطرت و نیاز روحی او رنگ آمیزی کرد و این دلالت بر ربوبیت خدای واحد دارد. انسان وقتی به آسمان می نگرند، رنگ آبی را می بیند که آرام بخش است و چون به زمین می نگرند، رنگ سبز را می بیند که حالتی مسرت بخش و متعادل به روان او می بخشد. آبی به دلیل همین خواص، بهترین رنگ برای کاشی کاری مساجد و زیارت گاه ها می باشد. آسمان در شب به رنگ آبی تیره و کبود در می آید و چه زیباست که قرآن شب را مایه استراحت قرار داده است (رستم نژاد، ۱۳۸۹: ۱۳۱/۷).

رنگ شناسان معتقدند رنگ آبی تیره (رنگ شب) ساختار آرامش و سکوت کامل است. این رنگ از یک تأثیر آرام بخش در سیستم اعصاب برخوردار است. فشار خون، نبض و تنفس در اثر آن کاهش می یابد و در عین حال بدن تجدید قوا می کند و نیرو می گیرد. به نظر می رسد یکی از دلایل تأکید اسلام برای تهجد و شب زنده داری نیز همین می باشد؛ چرا که انسان در لباس شب از آرامشی بهره مند می شود که حتی اثر آن به معاش در روز هم کشیده می شود (پهلوان حسین، ۱۳۸۷: ۱۹۰).

امام صادق علیه السلام در کتاب توحید مفضل با اشاره به رنگ کبود آسمان در شب می فرمایند: «پس تفکر کن که چگونه رنگ آسمان را کبود مایل به سیاه قرار داد که نگاه کردن مکرر به آسمان به دیده ضرر نرساند...» (رستم نژاد، ۱۳۸۹: ۱۳۱/۷).

رنگ آبی، مشترک بین آسمان و زمین و مانند رنگ سبز موجب تقویت چشم است. خداوند این رنگ را برای تسکین و آرامش آفریده است؛ از این رو؛ پزشکان آن را برای اتاق بیماران تب دار نیز تجویز می کنند (پهلوان حسین ۱۳۸۷: ۱۸۸-۱۸۹). این رنگ برای اتاق خواب پیشنهاد می شود؛ چرا که آرام بخش و خواب آور است (رستم نژاد ۱۳۸۹: ۱۳۱/۷).

## ۵-۲- رنگ سبز

رنگ سبز زیباترین رنگی است که ده بار در قرآن مطرح شده و در چند آیه به بساط بهشتیان و لباس های ابریشمی و حریرهای سبز رنگ آنان با این رنگ اشاره شده است. همچنین رنگ گیاهان سبز هم چند بار در قرآن آمده است. سبز، انتقال دهنده شادی، انبساط خاطر و بهجت است. نماد رویش، حیات و زندگی است. سبز نماد ایمان، کمال و رنگ بهشتی است و چون در رنگ سبز ایمان و اطمینان مشهود است، نزد مسلمانان رنگ مقدس شمرده می شود و مردم میان این رنگ و پیامبراکرم و اهل بیت طاهرین علیهم السلام و اولادشان ارتباط برقرار می کنند.

در مورد رنگ سبز نیز آیات زیادی وجود دارد؛ خداوند در قرآن کریم فرموده است: الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ (یس/۸۰)؛ «(همان) کسی که برای شما از درخت سبز، آتشی قرار داد و شما در هنگام (نیاز) از آن (آتش) می افروزید».

در مورد لباس و تکیه گاه بهشتیان نیز اشاره شده است که وَ يَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ... (کهف/۳۱)؛ «و لباس هایی سبز، از حریر نازک و ضخیم، می پوشند، در حالی که در آنجا بر تخت ها تکیه کرده اند». در آیه ای دیگر رنگ درختان بهشتی چنین توصیف نموده است: مُدْهَمَّتَانِ (رحمان/۶۴)؛ «دو (بوستان) سبز سیاه فام اند» که ابتهاج درختانش به اوج رسیده است» (الرحمن/۶۴؛ همان، ۱۹۲).

حضرت علی علیه السلام، نگاه به سبزه و چمن را دعا و تعویذی برای درمان بیماری ها دانسته اند: «والنظر الى الخضره نشرة» (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۰).

در مجموع از اشارات قرآن کریم و تحقیقات دانشمندان روشن می شود که رنگ سبز از رنگ های شادی آور و از نشانه های پرورگار عالمیان است و به توحید ربوبی دلالت دارد؛ چون همان کسی که انسان را خلق کرده، این طبیعت سرسبز، زیبا و مسرت بخش را برای او آفریده و نهایت پیوستگی، ارتباط و نظم را در کل این مجموعه قرار داده و بین تک تک اجزای آن هماهنگی بخشیده است.

دانشمندان امروزه نیز رنگ سبز را برای درمان بیماری های عصبی و اختلالات روانی به کار برده و آن را خنک کننده، تعدیل کننده نور خورشید و مسکن توصیف کرده اند. این رنگ در سیستم عصبی برای بی خوابی ها و خستگی ها مؤثر است. فشارخون را کم می کند و مویرگ ها را منبسط می کند (پهلوان حسین، ۱۳۸۷: ۱۸۸-۱۸۹).

## ۵-۳- رنگ زرد

در آیه ۶۹ سوره بقره به درخواست قوم موسی به این رنگ اشاره شده است که گفتند: از پروردگارت بخواه که رنگ گاو را مشخص کند و خداوند فرمود: صَفْرَاءُ فَاقْعُ لَوْثَهَا تَسْرُ النَّاطِرِينَ (بقره/۶۹)؛ «در حقیقت آن گاوی زرد است که رنگش یک دست است که بینندگان را شاد می سازد».

رنگ زرد، محرک فکری است. بر کمبود فکری روحی مؤثر است و برخی حالات عصبی را آرام می کند. شاید به همین دلیل این رنگ برای اتاق مطالعه پیشنهاد شده است. در روان شناسی رنگ ها نیز رنگ زرد نشاط آور و چشمگیر عنوان شده است و اثر آن به صورت روشنی، شادمانی و درخشانی ظاهر می شود (لوشر، ۱۳۷۸: ۹۴/۱).

برای تحریک ذهن نیز از نور زرد استفاده می شود. زرد فزاینده نیروست. زندگی در فضای زرد انسان را فعال می کند. با طلوع اشعه زرد خورشید انسان ها برای فعالیت دوباره آماده می شوند. در بیمارستان های روانی بیماران منزوی و بی تحرک را با قرار دادن در نور و رنگ زرد مداوا می کنند. زرد یک دست آزار دهنده و اگر متغیر باشد، شادی آفرین است. زرد سبب بی خوابی، هیجان، اضطراب و تلاطم فکری می شود. زرد گرم ترین رنگ طیف خورشید است (رستم نژاد، ۱۳۸۹: ۱۳۱/۷)

#### ۵-۴- رنگ سفید و تأثیرات آن

قرآن کریم برای بیان رنگ سفید از ماده «بیض» و مشتقات آن (بیض، بیض، ابیض، تبیض، ابیضت و بیضاء) استفاده کرده است. بیض و مشتقاتش دوازده بار و در دوازده آیه آمده است. با توجه به آیاتی از قرآن کریم که در آنها از رنگ سفید سخن به میان آمده، می توانیم دریابیم که این رنگ تأثیرهای گوناگونی بر انسان دارد:

#### ۵-۴-۱- رنگ سفید، نشانه سعادت‌مندی

یَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ... (آل عمران/۱۰۶)؛ «در روزی که چهره هایی سفید می شوند و چهره هایی سیاه می گردند...». و أَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ... هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (آل عمران/۱۰۷)؛ «و اما کسانی که چهره هایشان سفید شده، پس در رحمتِ خدایند...».

سپیدی از شریف ترین رنگ هاست (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۸۸/۱۶) و در نهایت صفا و لطافت است و این لطافت، نورانی است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۹۲/۸).

گفته شده که سفیدی چهره ها «به خاطر نور ایمان است» و آمده است که هر کس در این دنیا قلبی سفید داشته باشد، در آخرت چهره اش سفید است (قشیری ۱۳۹۱: ۲۶۹/۱) سفیدی از نور است و کسانی که اهل نور حق باشند، به رنگ سفید نامیده می شوند و چهره هایشان درخشان می شود (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۹۵/۱). رنگ سفید، رنگی بسیار لطیف و شریف است و خداوند با سفید کردن چهره مؤمنان در قیامت به شرافت و لطافت آنان می افزاید و ملاحه، پاک، پاکدامنی و بی گناهی آنان را با این رنگ نمایان می کند. اصولاً رنگ سفید، نشانه افراد سعادت‌مند در رستخیز است (آل عمران ۱۰۶) و این نکته از نظر نشانه شناسی جالب توجه و در خور بررسی است.

#### ۵-۴-۲- رنگ زیبایی در طبیعت

... وَ مِنْ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَ حُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَ غَرَابِيبُ سُودٌ (فاطر/۲۷)؛ «... و از کوه ها راه ها (و رگه ها)ی سپید و سرخ، که رنگ هایش متفاوت است و سیاه سیاه آفریدیم؟!». خدای تعالی طبیعت را خلق کرده و کوه ها را جلوه ای از آن دانسته است و این کوه ها را با «راه ها و رگه هایی در آن به رنگ های مختلف از جمله سفید» (سمرقندی، ۱۳۹۸: ۱۰۶/۳) معرفی می کند.

چنان که بیان کردیم، رنگ سفید، رنگی لطیف و دلگشا و در نهایت صفاست. حق تعالی با جلوه دادن رنگ سفید در کوه، لطافت های طبیعت را به رخ می کشد و با اثری که این رنگ دارد، طبیعت را لطیف و با صفا می کند که باعث دلگشایی انسان به هنگام دیدن آن می شود.

## ۵-۴-۳- دست سفید؛ نشانه ای اعجاز آمیز

- وَ نَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ (اعراف/۱۰۸؛ شعرا/۳۳)؛ «و دستش را از گریبان بیرون آورد، پس به ناگاه، آن برای بینندگان سفید و درخشان شد».

- وَ اَضْمَمُ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَهُ اُخْرَى (طه/۲۲)؛ «و دستت را به پهلویت بگذار، تا سفیدگونه، بدون عیب بدی، بیرون آید، در حالی که نشانه معجزه آسای دیگری است».

- وَ ادْخُلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَ قَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (نمل/۱۲)؛ «و دستت را در گریبان داخل کن تا سفیدگونه، بدون عیب بدی بیرون آید؛ با نشانه های معجزه آسای نه گانه به سوی فرعون و قومش برو؛ چرا که آنان گروهی نافرمان بودند».

- اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَ اَضْمَمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (قصص/۳۲)؛ «دستت را در گریبان وارد کن، تا سفیدگونه، بدون عیب بدی بیرون آید؛ و دست و بال را برای آرامش از هراس به سینه خودت بگذار؛ و این دو معجزه دلیل های روشنی از جانب پروردگارت به سوی فرعون و اشراف اوست؛ چرا که آنان گروهی نافرمان اند»

یکی از معجزات بارز حضرت موسی علیه السلام ید بیضاء یا همان دست سفید و درخشنده بود. در تفاسیر آمده که سفیدی دست حضرت موسی علیه السلام درخششی شبیه به درخشش خورشید داشت که چشم ها از شدت سفیدی آن تاریک می شدند (بلخی، ۱۴۲۳: ۵۳/۲) و برخی هم گفته اند که نور آن بر نور خورشید غلبه داشته است (طبرسی، ۱۳۷۷: ۴۵۸/۱). خداوند در داستان بنی اسرائیل، بارها معجزه دست سفید و درخشنده حضرت موسی علیه السلام را به فرعونیان نشان داد و با قرار دادن دست آن حضرت به این رنگ و سفید جلوه دادن دستش، او را انسانی صلح طلب، به دور از گناه، پاک و پاکدامن معرفی نمود تا قوم متعصب و بهانه جوی بنی اسرائیل با دیدن این رنگ آرامش یابند و ایمان آوردن به مکتبش را راحت تر بپذیرا باشند.

## ۵-۴-۴- لذت بخشی و آرامش

- بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ (صافات/۴۶)؛ «(شرابی) سپید (و درخشان) که برای نوشندگان لذت بخش است».

- كَانَهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ (صافات/۴۹)؛ «(از شدت سفیدی) چنانکه گویی آنان تخم مرغ های (زیرپر) پنهان مانده اند».

گفته اند که این بهترین و نیکوترین رنگ هاست (ابن جوزی، ۱۳۹۲: ۵۴۱/۳).

## ۵-۴-۵- رنگ سفید مو و چشم، نشانه ضعف، سستی و پیر

- قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَ اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا (مریم/۴)؛ «گفت: پروردگارا! به راستی من استخوانم سست گردیده و از جهت پیری، موی سر شعله ور شده و سفید گشته است. و پروردگارا! (من) به سبب خواندن تو در رحمت و بدبختی نبوده ام».

قرآن در آیه ای دیگر نیز از رنگ سفید البته به طور غیر مستقیم و با استعاره ای زیبا یاد می کند. در مورد اشتعال رأس گفته شده که «اشتعال، انتشار شعله ها و لهیب آتش در آن چیزی است که آتش گرفته است» و آیه وَ اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا از



نیکوترین استعارات است و معنای آن انتشار پیری سفیدی مودر سر است؛ همان گونه که شعله های آتش انتشار می یابد (طباطبایی ۱۲۸۱: ۱۴/۸). نیز گفته اند تشبیه محاسن در سفیدی و انتشار آن در مو به شعله های آتش است (آندلسی، البحر ۱۴۲۰: ۲۳۹/۷). طبرسی نیز گفته است: معنای آن درخشش محاسن در سر است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۷۶/۶) از آیه وَ أَبْيَضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ (یوسف/۸۴)؛ «و دو چشم او از اندوه سفید شد» به دست می آید که بینایی حضرت یعقوب علیه السلام از بین رفته بود. بعضی ها گفته اند با بیاض عین مقداری از بینایی باقی می ماند. علامه در ردّ این سخن می گوید: آیه ۹۳ همین سوره که می گوید: این پیراهن مرا ببرید و به صورت پدرم بیندازید که بینا می شود، دلیل آن است که بینایی وی از بین رفته بود.

خداوند سفیدی چشم را حاصل شدت غم و حزن معرفی کرده و مفسران این سفیدی را به کوری تعبیر نموده اند (طوسی، ۱۳۹۰: ۱۸۲/۶). خداوند رنگ سفید چشم را ناراحت کننده، بیان گر شدت غم و اندوه، و سفیدی موها و محاسن را بیان گر سستی، پیری و ضعف می داند و از طرفی، آن را لذت بخش و لطیف بیان می کند و تأثیر این رنگ را دو وجهی می شمارد. علم نوین روان شناسی نیز با این جمله که می گوید: این رنگ می تواند رنگ یک سرویس گران قیمت چینی باشد و یا رنگ یک ظرف کاغذی یک بار مصرف، دو وجهی بودن این رنگ را اذعان کرده و مؤید همین مطلب در قرآن است.

#### ۵-۴-۶- تأثیر رنگ سفید در همنشینی و ترکیب با رنگ سیاه

... وَ كَلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ... (بقره/۱۸۷)؛ «... و بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید بامداد، از رشته سیاه (شب) بر شما نمودار گردد...»

... وَ حُورٌ عَيْنٌ (واقعه/۲۲)؛ «و حوریان فراخ چشم (و سپید چشم)».

در آیات آل عمران/۱۰۶، فاطر/۲۷، دخان/۵۴، طور/۲۰ و الرحمن/۷۲ ملاحظه می شود که رنگ سیاه و سفید به صورت زیبایی در کنار هم آمده اند و زیباتر از همه این است که این دو رنگ در یک کلمه - که آن هم حور می باشد - آمده است.

حور در لغت شدت سفیدی چشم در شدت سیاهی آن است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳۰۶/۲؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۲۷۸/۳) و در تفاسیر در این مورد دیدگاه های مختلفی ذکر شده است؛ از جمله: سفید روی (بلخی، ۱۴۲۳: ۸۲۶/۳) سفید رو و با چشمان زیبا (سمرقندی، ۱۳۹۸: ۲۷۴/۳)، سفید روی و با لباس سبز و خالی از زیور آلات (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۲۲۹۳/۴) و سفید بودن سفیده چشم به غایت سفیدی و سیاهه آن در نهایت سیاهی (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۲۱۹/۱۷) چنان که از معنای حور در لغت و تفاسیر برمی آید، حور دارای رنگ سفید و سیاه است و مطابق علم امروزی، استفاده از رنگ سیاه و سفید در کنار هم، باعث می شود که فرد از درون آرامش یابد و عدم تعادل و توازن وی از بین برود (لوشر، ۱۳۷۳: ۹۹). نیز ملاحظه می شود که قرآن، با ظرافت بسیار زیاد و زیبایی از جهنم و عاقبت کافران سخن می گوید بدون اینکه کوچک ترین تأثیر منفی در درون مخاطب خود ایجاد کند.

#### ۵-۴-۷- توصیف اعجاز آمیز بهشت با توجه به تأثیرات رنگ سفید

اگر کسی کلمه قرمز را که نام یک رنگ است، بر زبان آورد و پنجاه نفر هم آن را بشنوند، می توان گفت که پنجاه نوع قرمز به ذهن آنان خطور می کند و مطمئناً همه آنان هم با هم متفاوت هستند. حتی هنگا می که رنگ به خصوصی را مشخص می کنیم که تمام افرادی که نام آن را می شنوند، بارها آن را دیده باشند، باز هم هر یک از آنان قرمزی متفاوت با دیگری را به خاطر می آورد.

وقتی پیوستگی‌ها (تداعی‌ها) و واکنش‌هایی را که در ارتباط با رنگ و نام آن تجربه شده‌اند، به رنگ اضافه می‌کنیم، احتمالاً باز هم اختلاف در مورد تشخیص رنگ بیشتر می‌شود. اینها چه چیزی را نشان می‌دهند؟

به خاطر آوردن رنگ‌های مشخص، اگر غیرممکن نباشد، مشکل است. این مسئله این حقیقت مهم را مورد توجه قرار می‌دهد که حافظه بصری در مقایسه با حافظه شنوایی بسیار ضعیف است. در حافظه شنوایی، اغلب ملاحظه می‌شود که شخص پس از یک یا دو بار شنیدن یک ملودی، می‌تواند آن را تکرار نماید (آلبرز، ۱۳۶۸: ۲۰-۲۱). پس حافظه بصری ضعیف است و تصور دوباره انسان بعد از دیدن رنگ آن است که خود می‌خواهد نه آنکه مورد نظر نویسنده یا گوینده نام رنگ است.

«یکی از مهم‌ترین روش‌های تصویرآفرینی در قرآن، سخن گفتن درباره مجردات و معنویات در لباس محسوسات و اجسام مادی است. «روش تصویر و نمایش هنری» (محسوس‌سازی و تجسیم) از روش‌های تعبیری، برتر و زیباتر است. برای بیان این برتری کافی است که معانی در صورت‌های ذهنی مجرد تصوّر شود (تخیل هستی)، سپس آنها را در صورت‌های تصویری شخصیت‌پردازی کنیم (تجسیم فنی). در روش اول، ذهن و ادراک مخاطب است، ولی در روش دوم، حس و وجدان. قانون «تخیل» و آیین «تجسیم» دو قانون بارز و آشکار در بیان و نمایاندن تصاویر فنی و هنری قرآن است (پیری سبزواری ۱۳۹۴: ۴۲۱/۲).

قرآن با به کارگیری این دو قانون و روش، جنبه‌ای از اعجاز خود را به نمایش می‌گذارد؛ بدین صورت که با نام بردن رنگ سفید در توصیف بهشت، نوشیدنی‌ها و همسران بهشتی، مخاطب را وادار به تصور رنگ سفید می‌کند. چنان که بیان شد، مخاطب نیز آن رنگی را که خود به آن علاقمند است، متصور می‌شود؛ لذا انسان با خواندن و یا شنیدن آیاتی که در آنها بهشت با رنگ سفید توصیف شده است، بهترین حالت رنگ سفید را در اوج لطافت، شرافت، روشنی، پاکی، ملاحه، صفا، رؤیا و... برای خود در بهترین مکان به تصویر می‌کشد و این یک عامل بسیار فوق‌العاده روان‌شناسانه برای ترغیب انسان‌ها به انجام اعمال نیک و دوری از گناه است که قرآن از آن استفاده کرده است.

#### ۵-۴-۸- رنگ سفید در روایات

در روایتی از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «از لباس‌های شما هیچ کدام بهتر از لباس‌های سفید نیست، برای پوشیدن آن را انتخاب کنید: «لَيْسَ مِنْ لِبَاسِكُمْ شَيْءٌ أَحْسَنُ مِنَ الْبَيَاضِ، فَالْبِسُوهُ» (پاک‌نژاد، ۱۳۶۳: ۶۹/۱۸). شاید سبب پاکیزه‌تر بودن جامه سفید آن باشد که این رنگ بیشتر و بهتر از هر رنگ دیگری، لکه‌های سیاه را آشکار می‌سازد و پوشنده را زودتر به تعویض جامه و نظافت آن وادار می‌کند.

با توجه به آیات قرآن، رنگ سفید از رنگ‌های بهشتی است و این روایت ذیل نیز مؤید همین مطلب است.

فرات ابن ابراهیم کوفی در تفسیرش از ابن عباس روایت کرده است: زمانی که روز قیامت به پا شود، منادی ندا می‌کند: ای مردم! چشمان خود را ببندید تا فاطمه علیها سلام، دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم عبور کند، فاطمه علیها سلام اولین کسی است که دوازده هزار حوریه از فردوس او را استقبال خواهند کرد. آنان احدی را قبل از فاطمه (سلام الله علیها) بعد از آن بانو استقبال نکرده و نخواهند کرد. آن حوریه‌ها بر ناقه‌هایی سوارند که بال‌های آن از یاقوت، مهار آنها از لؤلؤ و رحل‌هایی از درّ بر پشت آنهاست که بر هر یک از آنها بالشی از سندس قرار دارد و رکاب‌های آنها زبرجد است. آنان از صراط می‌گذرند تا فاطمه زهرا علیها السلام را وارد فردوس می‌نمایند و اهل بهشت با آن بانو ملاقات خواهند کرد. در وسط فردوس قصرهای سفید و زردی است از لؤلؤ که در یک محل می‌باشد. در آن قصرهای سفید، هفتاد هزار خانه است که منزل حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آل طاهر آن بزرگوار است (علی آبادی، ۱۳۷۹: ۸۵۲).

بهشتی بودن دو رنگ زرد و سفید، بیانگر روشن، درخشنده، مصفا، لطیف، شریف، رؤیایی بودن و... می باشد خداوند شرابی سفید را لذتی برای نوشندگان آن بیان کرده و با این بیان، درخشندگی این رنگ را موجب لذت و آرامش روح می داند.

این نکته نیز جالب توجه است که رنگ سفید مانند رنگ های ملایم ابرهای تابستانی، لطیف و رؤیایی است و این خود، باعث ایجاد لطافت روحی و اوج لذت در رؤیا می شود؛ به همین دلیل، همسران بهشتی را سفید معرفی می کند تا آرامشی برای بهشتیان باشند و از آنها لذت ببرند.

در نقطه مقابل رنگ سفید، در مورد رنگ سیاه نیز روایات معتبری از معصومان درباره کراهت آن نقل شده است؛ از جمله روایت زیر:

«عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِي رِجْلِي نَعْلٌ سَوْدَاءٌ فَقَالَ يَا حَنَانُ مَا لَكَ وَلِلْسَوْدَاءِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ فِيهَا ثَلَاثَ خِصَالٍ تُضَعِفُ الْبَصَرَ وَ تُرْخِي الذِّكْرَ وَ تُورِثُ الْهَمَّ وَ مَعَ ذَلِكَ مِنْ لِبَاسِ الْجَبَّارِينَ قَالَ فَقُلْتُ فَمَا أَلْبَسُ مِنَ النَّعَالِ قَالَ عَلَيْكَ بِالصَّفْرَاءِ فَإِنَّ فِيهَا ثَلَاثَ خِصَالٍ تَجْلُو الْبَصَرَ وَ تَشُدُّ الذِّكْرَ وَ تَدْرَأُ الْهَمَّ وَ هِيَ مَعَ ذَلِكَ مِنْ لِبَاسِ النَّبِيِّينَ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۶۵/۶).

## ۵-۵- رنگ قرمز

رنگ قرمز انرژی دهنده و محرک بسیار قوی است، شکافته شدن آسمان در آستانه قیامت حکایت از اوج گرما، هیجان و ترسی دارد که انسان ها را فرا می گیرد؛ بنابراین در قرآن، قرمز برای رنگ آمیزی روز قیامت نیز ذکر شده و حکایت از قرمز شدن آسمان در آستانه قیامت دارد و خود این رنگ بر ترس و هراس روز قیامت می افزاید.

همین تشبیه روز قیامت به رنگ قرمز گل می تواند گویای این باشد که این رنگ جزو رنگ های محرک و غم انگیز است و مانند سایر رنگ های تیره حالت هیجان انگیزی دارد و این تشبیه اشاره ای به برخی آثار روانی این رنگ است. در میان کلماتی که در سوره مبارکه فاطر آیه ۲۷ آمده است، کلمه حمر به معنای رنگ قرمز دیده می شود: «و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف ألوانها و غرابیب سواد»؛ و از کوهها نیز راههایی به رنگ سفید و سرخ و رنگ های مختلف و همچنین کاملاً سیاه خلق کرد، زیرا در ترکیبات شیمیایی عناصر تشکیل دهنده کوهها و سنگها رنگ های مختلف مانند سیاه، سفید، خاکستری، آبی، بنفش و حتی قرمز وجود دارد.

آزمایشاتی که بر روی افراد متفاوت انجام داده اند و آنها را وادار به تفکر به رنگ قرمز سیر کرده اند، نشان داده است این رنگ، سیستم عصبی را تحریک می کند؛ یعنی فشار خون را بالا می برد و تنفس و ضربان قلب را سریع تر میکند. لذا رنگ قرمز از لحاظ تاثیری که بر سیستم اعصاب دارد یک عامل محرک به شمار می آید و معنای فیزیولوژیک آن، داشتن آرزوهای بسیار، شور و شوق زندگی و تهور و قدرت اراده است (پهلوان حسین، ۱۳۸۷: ۲۱).

در هر صورت آنچه از سنت رسول خدا در این زمینه به ما رسیده کراهت ایشان در استفاده از رنگ قرمز برای لباس بوده است، مگر در اعیاد و در روز جمعه و برای جشن و شادمانی که علت آن را می توان در تاثیر این رنگ بر روان آدمی جستجو کرد. (سنن النبی: ۱۳۹۱/۱۳۷) و استفاده ایشان در زمینه هایی خاص از این رنگ به همان معنا بر می گردد. مانند اینکه در کافی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: کان فی منزل رسول الله (صلی الله علیه و آله) زوج حمام احمر؛ در خانه رسول خدا یک جفت کبوتر قرمز رنگ بود، و ایشان از آنها نگهداری می کردند (طباطبایی، ۱۳۹۱ - ۱۴۳). زیرا در روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) در کتاب مکارم الاخلاق آمده است که:

لیس من بیت نبی الا و فیه حمام، لان سفهاء الجن یعبثون فی البیت، فاذا کان فیه حمام عبثوا بالحمام و ترکوا الناس. درخانه همه انبیا، کبوتر نگهداری می شده است؛ زیرا سفیهان جن، همواره با کودکان خانه بازی می کنند و آنان را به خود سرگرم می کنند، و اگر کبوتر در آن خانه باشد، جنیان با کبوتران مشغول می شوند و دیگران را رها می کنند (طباطبایی: ۱۳۹۱ - ۱۴۲).

حال این سؤال پیش می آید که چرا کبوتران قرمز؟ شاید بشود اینگونه گفت که اگر کبوتران قرمز رنگ باشند، به دلیل جاذبیت و محرک بودن این رنگ موثر واقع شوند و جلب توجه بیشتری کنند

#### ۵-۶- رنگ کبود:

رنگ ازرق یا کبود، یکی دیگر از رنگهایی است که در قرآن کریم از آن یاد شده است. این رنگ منفورترین رنگها در نزد عرب محسوب می شود. مخصوصاً اگر رنگ چشم کبود باشد؛ زیرا اعراب به دشمن خود می گویند: "ازرق العین" یعنی "چشم کبود". در تفسیر المیزان علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) در ذیل آیه ۱۰۲ سوره طه آمده است که: «یوم ینفخ فی الصور و نحشر المجرمین یومئذ زرقا»؛ روزی که در صور دمیده می شود و گناهکاران را در آن روز با چشم کبود محشور می کنیم.

مراد به ازرق، محشور شدن مجرمین و گناهکاران به صورت کور در قیامت است؛ زیرا وقتی چشم بیناییش را از دست می دهد کبود می شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۴۸/۱۴)

پس کبودی چشم علامتی برای گناهکاران است. البته ممکن است از شدت تشنگی نیز چشم و یا بدن کبود شود، هم چنان که در کتاب العرب این نکته ذکر شده است.

در بیانات ارزنده ای امام صادق (علیه السلام) به مفضل، به معنای مثبتی از این رنگ اشاره شده است، و ایشان اینگونه فرموده اند:

فکر فی لون السماء و ما فیه الصواب التدبیر، فان هذا اللون اشد الالوان موافقه للبصر و تقویه حتی ان من صفات الاطباء لمن اصابه شیء اضر ببصره ادمان النرّ الی الخضره و ما قرب منها الی السواد و قد وصف الحذاق منهم لمن کل بصره الاطلاع فی اجانه خضراء مملوه ماءً فانظر کیف جعل الله جل و تعالی اديم السماء بهذا اللون الاخضر الی لیمسک الابصار المنقلبه علیه فلا ینکا فیها بطول مباشرتها له... در رنگ آسمان خوب فکر کن؛ که موافق ترین رنگهاست برای تقویت دیده و نور چشم، تا آنجا که اطبا می گویند: اگر کسی ضعف بینایی داشته باشد باید مرتب و پیوسته در تغار کبود رنگی نگاه کند که پر از آب است. پس فکر کن که چرا خداوند رنگ آسمان را به رنگ سبز مایل به سیاه (کبود) قرار داده است، که مکرر نگاه کردن به آن بر چشمها ضرر نرساند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱/۳)

#### ۵-۸- رنگ مشکی

لباس سیاه در مقام اضطرار یا به جهات خاص به کار برده می شود.

حضرت علی (ع) می فرماید: لَا تَلْبَسُوا السَّوَدَ فَإِنَّهُ لِبَاسُ فِرْعَوْنَ

لباس سیاه نپوشید که آن لباس فرعون است. (صدوق، ۳۴۷: ۲/۳۸۱)

سیاه رنگی مطلق است که در فراسوی آن، زندگی تمام می شود. سیاه یعنی نه، که نشانه ایی از ترک عشق و انصراف از فعالیت های جمعی است. به معنی نیستی، ناامیدی به آینده و سکوتی ابدی است. وحس سنگینی را به افراد القاء می کند. تاثیر خوبی بر مزاج ندارد و در کودکان هم اثرات منفی دارد. دوست داران رنگ سیاه معمولاً خسته و افسرده اند اگر خسته نباشند راضی اند، اگر ناراضی نباشند مغرورند، اگر انکار می کنند در صورتی است که مغرور نباشند. اگر انکار نکنند هم ناراضی اند هم مغرور، هم خسته و هم انکار می کنند. اما احتمالاً خودشان هم خبر ندارند.

طرفداران سیاه زیاد ناامید نمی شوند چون از طرفی دیگر سیاه نماد آبرومندی و شرافت است (دیدگاه اید که ماشین های شیک و باکلاس معمولاً سیاه براق اند)

رنگ سیاه در ورای پرده ایی در هم ریخته و آشفته مخفی گردیده است. بسیاری از افراد از این رنگ به عنوان رنگ درمان کننده احتراز می جویند ولی این رنگ در برخی موارد بسیار مفید می باشد. در زمانی که فرد دچار مشکلات روحی و بسیار آشفته حال است این رنگ می تواند حالت آرامش بخش و حفاظت کننده را ایفاء می کند.

این رنگ باعث می شود که احساسات زنانه در افراد به حرکت بیفتد و همین امر باعث می گردد که در وجودشان انرژی مغناطیسی نیرومندی را حس نمایند. رنگ سیاه از جمله رنگ های است که باید به اندازه مناسب مورد استفاده قرار گیرد زیرا اگر در لباس های مورد استفاده به وفور مورد استعمال قرار بگیرد باعث میگیرد که فرد دچار افسردگی و آشفته گی روحی گردد. (گلکاریان، ۱۳۸۲: ۳۲)

اما در عبارات به کار رفته در آیات، نکته ای وجود دارد که نیازمند بررسی بیشتر است؛ و آن مفهوم نهفته شده در واژه «جلباب» است.

جلباب از ریشه «جَلَب» است. در لسان العرب به دنبال شعری که آمده، عبارت «جلب اللیل» در شعر، سیاهی شب معنا شده است. (ابن منظور ۱۴۱۴: ۲۷۰/۱) از این رو عده ای معتقدند که سیاهی، مفهومی نهفته در معنای جلباب است. در صورتی که اگر دقت شود متوجه خواهیم شد که در عبارت جلب اللیل در لسان العرب، جلب به تنهایی، سیاهی و تیرگی معنا نشده؛ بلکه به تناسب همراهی با لیل، سیاهی معنا شده است. لذا استفاده معنای سیاهی از واژه جلب، به تنهایی و بدون هیچ پسوند و پیشوندی، بعید به نظر می رسد.

## ۶- نقش بعضی از رنگ ها در درمان

### ۶-۱- قرمز

رنگ محرک و هیجان آور است در روان شناسی رنگ قرمز به مفهوم اعتماد به نفس است. برای درمان ترس از این رنگ بهره می گیرند. رنگ قرمز بیش از هر چیز باعث تحریک سرخرگ ها می شود که سلامتی و نشاط فراوانی به دنبال دارد. و در درمان بی حالی و افسردگی موثر است.

با اینکه رنگ قرمز نشاط آور است اما افراد بانشاط و سرزنده از رنگ قرمز بیزارند. تاثیر روانی رنگ قرمز نشان می دهد که این رنگ بر سیستم عصبی اثر تحریک کننده ایی دارد و فشار خون را بالا می برد و میزان تنفس و ضربان قلب را افزایش می دهد.

## ۶-۲- سبز

در قرآن مجید چندین مورد ضمن بیان خصوصیات زندگی در بهشت، رنگ لباس بهشتیان سبز معرفی فرموده است: *مَتَّكِنِينَ عَلٰی رُفْرَفٍ وَعَبَقَرٰی حِسَانٍ* بهشتیان در حالی که بر تکیه گاه های سبز و بساط زیبا تکیه داده اند. (الرحمن/۷۶)

*عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَاسْتَبْرَقٌ* بالا پوش های آنان از دیبای سبز و حریر است. (۲۱/انسان)

انتخاب سبز برای لباس های بهشتی به خاطر آن است که رنگی بسیار نشاط آفرین است همانند برگ های زیبای درختان رنگ سبز نمایانگر آرامش، امیدواری و قار است و از خشم و فشارهای عصبی می کاهد. رنگ سبز مفرح بوده و تب را کم کرده و در بعضی افاق های بیمارستان ها به کار می رود و موجب برانگیخته شدن فکر بوده و راهنمای شکیبایی است که برای معالجه بیماری های عصبی و اختلالات روانی استفاده می شود. این رنگ برای رفع خستگی مفید بوده و قدرت تحمل و صبوری افراد را نیز افزایش می دهد. همچنین فشار خون را کاهش داده و خون بافت ها را از میکروب ها پاک می کند اما نقش اصلی آن کمک به از بین بردن مشکلات مهم روانی یا احساسی است. بی حالی و سستی در بدن و همچنین رنگ پریدگی از طریق رنگ سبز درمان می شوند.

آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد این است که از رنگ سبز نایستی در درمان بیماری هایی از قبیل سرطان و یا بیماری های غده ایی استفاده کرد زیرا رنگ سبز باعث می شود که سرعت رشد و توسعه و پیشرفت هر چیزی افزایش یابد این رنگ سبب رشد تومورهای سرطانی شده و بسیار خطرناک است. (بیستونی، ۱۳۸۵: ۸۷)

## نتیجه گیری

۱. خلقت جهان هستی با رنگ عجین گشته و این تقارن و تناسب، زیبایی ها را موجب شده و باعث اعجاب گشته است.
۲. هر رنگی علاوه بر تاثیر بر جسم، بر روح و روان نیز رسوخ کرده و در این باره بسیار کار امد خواهد بود.
۳. در دین مبین اسلام پیرامون رنگ احادیث و روایاتی آمده است که خود بیانگر دید وسیع و دقیق اسلام و نگاه ویژه آن به انسان در زندگی او میباشد.
۴. با استفاده از رنگ ها میتوان در درمان بسیاری از بیماری ها و بهبودی بیماران اگر طبق اصول باشد اثری اعجاب انگیز خواهد داشت.
۵. با توجه به سلاقی افراد در انتخاب رنگها تا حدودی میتوان روحيات آنها را تشخیص داد.
۶. یکی از رنگ هایی که زیاد به آن سفارش شده است رنگ سفید است، که در ایجاد انرژی و جذب آن بسیار موثر است

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، روض الجنان وروح الجنانی التفسیر القرآن، مشهد بنیاد پژوهش اسلامی آستان قدس رضوی
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ سوم
۳. البرز، جوزف، ۱۳۶۸ ش، تاثیر متقابل رنگ ها، ترجمه عرب علی شروه، تهران، طلوع آزادی
۴. السمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، ۱۳۹۸ ش، بحر العلوم، بی جا
۵. اندروز، تد، ۱۳۸۲ ش، رنگ درمانی، مترجم قدیر گلکاریان، چاپ ۱، ناشر طلایه
۶. آندلسی فابو حیان محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت، دارالفکر
۷. بیستونی، محمد، ۱۳۸۵، رنگ شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث، قم، چاپ ۱، قم
۸. پاک نژاد، شهید سید رضا، ۱۳۶۳ ش، اولین دانشگاه، آخرین پیامبر، تهران، هما
۹. پهلوان حسین، اکرم، ۱۳۸۷ ش، روان شناسی رنگ ها و قرآن کریم، مجموعه مقالات بیست و پنجمین مسابقات بین المللی قرآن کریم، تهران، معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه
۱۰. پیری سبزواری، حسین، ۱۳۹۴، جلوه هایی از اعجاز هنری قرآن از دیدگاه سید قطب
۱۱. تستری، ابو محمد سهل بن عبدالله، ۱۴۲۳ ق، تفسیر التستری، بیروت، دارالکتب العلمیه
۱۲. جعفری، مفضل بن عمر، ۱۳۷۹ ش، توحید مفضل، مترجم محمد باقر مجلسی، ناشر وزارت ارشاد
۱۳. رستم نژاد، مهدی و نوید، مهدی، ۱۳۷۹ ش، اعجاز رنگ ها در قرآن، نشریه قرآن و علم
۱۴. رستم نژاد، نوید زمستان، ۱۳۸۲، اعجاز رنگ ها در قرآن، نشریه قرآن و علم، شماره ۲۷
۱۵. روحانی علی آبادی، محمد، ۱۳۷۹ ش، زندگانی حضرت زهرا (س)، تهران، مهام
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷ ش، تفسیر جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، البیان فی التفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا
۲۰. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، لطایف الاشارات، مصر، الهیئه المصریه العامه للكتاب، چاپ سوم

۲۱. لوشر، ماکس، ۱۳۹۱، روان شناسی رنگ ها، مترجم حمیدرضا، بلوچ، چاپ اول، شهرستان شهابنگ

۲۲. مفصل بن عمر ۱۳۷۷، شگفتیهایی آفرینش مترجم نجف علی، میرزایی، چاپ پنجم، قم، هجرت